

نگاهی به آخرین وضعیت بافت پیرامون حرم مطهر که همچنان در انتظار پیشنهادهای اصلاحی است

همزیستی هویت و نوسازی و چاره‌ای که نیست

شروع نوسازی با «تاش»

اولین طرح تفصیلی بافت پیرامون حرم در سال ۱۳۷۴ تصویب شد؛ طرحی با نام «تاش» که با رویکرد حذف بافت قدیمی و جایگزینی مجتمع‌های بزرگ تجاری و اقامتی شروع به‌کار کرد و انتقادهای بسیاری را در پی داشت؛ این طرح علاوه بر اینکه بخشی از بافت تاریخی آن محدوده را از بین برد، سبب شد بسیاری از ساکنان ناچار به ترک این بافت شوند. درنهایت شهریور سال ۱۳۹۶ پیروز حناچی، دبیر وقت شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، در نامه‌ای به استاندار خراسان رضوی، لغو طرح نوسازی و بهسازی بافت پیرامون حرم مطهر رضوی را ابلاغ کرد تا پس از ۲۵ سال، این طرح به

کار خود پایان دهد. طرح جدید تفصیلی نیز در سال ۱۳۹۹ تصویب و سال ۱۴۰۰ ابلاغ شد؛ طرحی که بیشتر در راستای از بین بردن گسست فرهنگی بافت پیرامون حرم، تعریف شده بود. بافت حدود ۳۶۰ هکتاری پیرامون حرم مطهر رضوی، یکی از بافت‌های مهم شهری کشور محسوب می‌شود که در همین راستا، غلامرضا کاظمیان، معاون شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی، پیش‌تر بیان کرده بود که مداخله در چنین بافتی، نیازمند دقت فوق‌العاده و توجه هم‌زمان به ابعاد مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و شهرسازی است؛ نکته‌ای که در سال‌های گذشته بارها نادیده گرفته شده است.

از ناکامی «تاش» تا بازنگری «طرح حرم رضوی»

تعبیر معاون معماری و شهرسازی اداره‌کل راه و شهرسازی خراسان رضوی از طرح جدید بافت پیرامون حرم مطهر رضوی این است: «این طرح سعی کرده حرم منظری و معنوی حرم مطهر و میراث ملموس و ناملموسی را که وجود دارد، حفظ کند؛ ضمن اینکه علاوه بر ایجاد فرصت زیارت برای زائران، زیست ساکنان را نیز حفظ کند.» محدثه نجفی معتقد است که طرح تاش بدون نگاه به زمینه، دانه‌بندی (قطعه‌ها) و هویت صرفا با تعریف پروژه‌های کلان و بزرگ مقیاس، نگاه متفاوتی داشته است. او ادامه می‌دهد: نگاه طرح قبلی این بوده است که باید قطعات ریزدانه باهم تجمیع و پروژه‌های بزرگ مقیاس در قالب تعدادی بلوک و پروژه تعریف شوند؛ نتیجه این نگاه، این بود که ساکنان از بافت کوچ کردند. وی درباره نگاه متفاوت طرح حرم رضوی برخلاف طرح تاش، می‌گوید: در این طرح، پروژه‌های بزرگ مقیاس جایی نداشت و از طرفی سعی شد هویت موجود بافت حفظ شود. یعنی برخلاف طرح قبلی، در عین اینکه به حق زیارت توجه کرد، حق مجاورت ساکنان را هم به رسمیت شناخت.

مجوز بیشتر از میزان استاندارد حرم

نجفی رعایت حرم‌های منظری را یکی دیگر از نقاط تمایز این دو طرح می‌داند و بیان می‌کند: درواقع سقف ارتفاعی که در حرم رضوی دیده شده است، همان حرم منظری حرم مطهر بود، درحالی‌که در طرح تاش حداکثر ارتفاع تا ۱۰ طبقه نیز داشتیم و با این حال بازهم مجوزهایی از سوی شهرداری صادر می‌شد که بالاتر از ارتفاع مجاز همان طرح بود. اما طرح فعلی، حداکثر ارتفاع را همان حرم حرم قرار داده است. برای پروژه‌هایی که پیش از این اجرا شده بود، دیگر کاراز کار گذشته است، اما درباره پروژه‌هایی که اجرا نشده بود و حقوق مکاتبه داشت، معاون شهرسازی و معماری اداره‌کل راه و شهرسازی استان بیان می‌کند: تعداد این پروژه‌ها در سند شورای عالی شهرسازی، ۱۴۳ پروژه گفته شده است که پروژه‌های انتفاعی با کاربری اقامتی و تجاری هستند و بر همین اساس، در قالب کارگروهی متشکل از اداره‌کل راه و شهرسازی، شهرداری، استانداری، دستگاه قضایی و بازرسی استان، جلساتی با مالکان این پروژه‌ها برگزار شد و توافقاتی با رعایت اصول طرح رقم خورد.

نقش پررنگ دستگاه‌های خدمت‌رسان در جبران کمبودهای حرم

معاون معماری و شهرسازی اداره‌کل راه و شهرسازی در پاسخ به این سؤال که گرہ طرح‌های مختلف برای بافت پیرامون چه بوده است، بیان می‌کند: طرح حرم رضوی چهار سال است که ابلاغ شده و درحال اجراست و تاکنون نیز دو بار ضوابط آن در جلسات اصلاح شده، با این حال طرح‌های آن پیش رفته و سیاست‌ها اجرا شده است، اما از اینجا به بعد، کمک دستگاه‌های خدمت‌رسان را می‌طلبید؛ زیرا در حرم دچار کمبود خدماتی نظیر مدرسه، درمانگاه و سایر کاربری‌های خدماتی هستیم.

«تجربه بسیار ناموفق» تعبیر نجفی از اجرای طرح تاش است و اگر بخواهد از تجربه موفق شهری در حفظ بافت تاریخی در ایران بگوید، نمونه‌اش یزد است. او می‌گوید: اگر یزد به جای حفظ بافت تاریخی‌اش، پروژه‌های کلان تعریف می‌کرد، این میزان گردشگر را نداشت. اما حرم مطهر رضوی را نمی‌توان با هیچ‌کدام از زیرنگاه‌های کشور مقایسه کرد؛ زیرا حجم زائرانی که به مشهد مشرف می‌شوند، خیلی زیاد است.

زمان بررسی پیشنهادها؛ ۳ تا ۵ ماه
نجفی می‌گوید: از زمانی که پیشنهادها به دستمان برسد، درباره برخی از آن‌ها که در مشهد می‌توان بررسی‌شان کرد، سعی می‌کنیم سه ماهه این کار را انجام دهیم و اگر انطباق داشته باشد، اجرایی می‌شود. برخی پیشنهادها نیز به شورای عالی شهرسازی ارسال خواهد شد که شاید بررسی آن‌ها یک یا دو ماه بیشتر طول بکشد.

حرم پیرامون حرم مطهر رضوی سال‌هاست بلا تکلیف مانده و انگار به جایی در میان گذشته و آینده، تبدیل شده است. محدوده‌ای که قرار بود با اجرای نوسازی، نمای منظم‌تری پیدا کند، حالا به نقطه‌ای پرچالش در دل مشهد تبدیل شده است. حجره‌ها و بازارهای قدیمی هم نشین فروشگاه‌ها و پاساژهای لوکس شده‌اند و از طرف دیگر، زائران برای اقامت در هتل‌های چندستاره اطراف حرم، باید از کوچه‌هایی عبور کنند که هنوز بافت قدیمی را در آغوش گرفته‌اند. این ناهم‌خوانی در چهره شهر، نشانه سال‌ها تصمیم‌گیری‌های ناتمام و نوسازی‌های نیمه‌کاره است.



سعيد آل ابراهيم
عضو کمیته شهرسازی

ضرب الاجل بی نتیجه

چهارم شهریور امسال، استاندار خراسان رضوی پس از جلسه شورای اداری استان، در جمع خبرنگاران از بازنگری در طرح پیرامون حرم مطهر رضوی طرف حداکثر پانزده روز نخست شهریور خبر داد و اعلام کرد: همه دستگاه‌های متولی، نظرات خود را ارائه می‌دهند و درنهایت جمع‌بندی این نظرات به شورای عالی شهرسازی ارسال خواهد شد. اما با وجود این وعده، بازنگری تا پایان شهریور به نتیجه نرسید و حالا طبق گفته علیرضا قاضی، معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری، تاریخ جدید برای جمع‌بندی نتایج تا پایان مهر اعلام شده است. به گفته معاون معماری و شهرسازی اداره‌کل راه و شهرسازی خراسان رضوی، شهرداری پیشنهادها را در این باره مطرح کرده، اما هنوز آستان قدس پیشنهادی برای این اداره ارسال نکرده است؛ البته سرنوشت پیشنهادهایی که به دستشان برسد، هم به سه شکل رقم خواهد خورد: اگر پیشنهاد مغایر با طرح باشد، رد خواهد شد؛ در غیر این صورت، برخی پیشنهادها برای استعلام به شورای عالی، ارسال و برخی در استان تصمیم‌گیری خواهد شد، با این حال به نظر می‌رسد مسیر تصمیم‌گیری درباره بافت پیرامون حرم رضوی، هنوز همان مسیر طولانی و تکراری سال‌های گذشته است.

توافق ۹۳ پروژه برای ساخت

به روایت آماری که نجفی ارائه می‌دهد، ۹۳ پروژه از این تعداد، منجر به توافقی شده است مبنی بر اینکه مالکان از ارتفاع این پروژه‌ها کم و به سطح اشغال آن‌ها اضافه کنند. معاون معماری و شهرسازی اداره‌کل راه و شهرسازی خراسان رضوی در توضیح بیشتر امتیازاتی که در قالب این توافق به مالک داده می‌شود، بیان می‌کند: درواقع سعی شده است تا جایی که امکان دارد، زیربنای حفظ و امتیازاتی در قالب تجاری و... به آن‌ها داده شود. نجفی ادامه می‌دهد: در حالت عادی ممکن است یک پروژه تا ۵۰ درصد سطح اشغال داشته باشد، اما به این پروژه‌ها تا ۷۰ درصد سطح اشغال دادیم یا حتی در طبقات منفی، اجازه تجاری برای آن‌ها صادر شده است، بنابراین آن‌هایی که برایشان توافق صورت گرفته است، می‌توانند کار خود را شروع کنند، اما در مورد پنجاه پروژه باقی‌مانده هر زمان مراجعه کنند، می‌توانیم در قالب اصول توافق کنیم. او کلید پویا بودن طرح‌های مختلف را در پذیرفتن اصلاحات به صورت همیشگی می‌داند و معتقد است هیچ طرحی نیست که مصوب شود و بدون ایراد باشد؛ طرح حرم رضوی نیز از این قاعده مستثنا نیست، بنابراین پیشنهادهای اصلاحی پذیرفته می‌شود و برخی از آن‌ها شاید نیاز به ارسال به شورای عالی شهرسازی نیز نداشته نباشد؛ به دلیل اینکه کمیسیون ماده ۵ هم در استان اختیاراتی دارد. او بیان می‌کند: سعی شده است تعریض‌هایی که در بافت پیرامون صورت می‌گیرد، بر مبنای حفظ وضع موجود باشد و از تعریض‌های زیاد، دوری شده است تا دانه‌بندی و هویت بافت حفظ شود.

یادداشت

وقتی اشک چشم آسمان می‌خشکد!

اشک چشم آسمان خشکیده است انگار. چشمه‌ها مرده‌اند و از اشک چشم انسان هم لبی تر نمی‌شود. خشک‌سالی دارد چندین سالنامه را ورق ورق می‌کند. نه حال زمین خوب است نه احوال زمان. داده‌ها هم نشان می‌دهد که وضعیت منابع آبی در استان خراسان رضوی و به ویژه شهر مشهد، به مرز فروپاشی عملکردی زیرساخت‌های تأمین آب شرب نزدیک شده است. روند کاهش بارندگی، افت رواناب‌ها و کاهش شدید ذخایر پشت سد‌ها، نشان از بحران دارد. آن هم نه مقطعی که ساختاری، بررسی داده‌های منابع رسمی نشان می‌دهد که در حال حاضر، حجم آب پشت سد‌های بزرگ مشهد از جمله سد‌های دوستی، طرق، کارده و ارداک به حدود ۵۰ درصد از ظرفیت خود رسیده است؛ رقمی هشداردهنده که در سه دهه گذشته، سابقه نداشته است.

چهار سد اصلی تأمین‌کننده آب شرب مشهد، عملا در آستانه خروج از مدار بهره‌برداری پایدار قرار دارند. این هم یعنی فاجعه؛ فاجعه‌ای که دارد سفره خود را پهن تر هم می‌کند؛ زیرا پنج سال اخیر از منظر اقلیم‌شناسی، نشانه‌هایی از تغییر رژیم بارندگی را در منطقه شرق و شمال شرق ایران برجای گذاشته‌اند. آنچه امروز با آن مواجه هستیم، صرفا کاهش بارش نیست، بلکه تغییر در الگوی زمانی و مکانی بارندگی، افزایش تبخیر و کاهش ذخیره‌پذیری خاک و منابع سطحی است. در چنین وضعیتی، مخازن سد‌ها نه تنها پر نمی‌شوند، بلکه از یکدیگر نیز پشتیبانی نمی‌کنند؛ چراکه ورودی از حوضه‌های بالادست نیز کاهش یافته است.

ترکیب این وضعیت با برداشت‌های فزاینده از منابع زیرزمینی و فرونشست زمین، نشانه‌هایی از عبور مشهد از «تشش آبی» به سمت «بحران آبی پایدار» را آشکار می‌کند. این موضوع هم تبعات مستقیم و غیرمستقیم دارد؛ از تهدید امنیت آب شرب شهروندان؛ کاهش کیفیت و کمیت آب شرب، افزایش وابستگی به منابع پرهزینه مانند انتقال بین‌حوضه‌ای یا شیرین‌سازی، تا فشار بر منابع زیرزمینی به دلیل افزایش برداشت از چاه‌های مجاز و غیرمجاز، افت بیشتر سطح آبخوان‌ها، افزایش احتمال فرونشست زمین. معلوم است که مسئله آب در همین سطح نمی‌ماند. مسئله حیات پیوست آن است که می‌تواند چالش‌های مهم دیگر را هم پیماد داشته باشد. گذشته از این، مشهد، یک شهر عادی نیست که مسائل آن صرفا به خود مردمش ربط پیدا کند. به عنوان دومین کلان‌شهر ایران و قطب مذهبی گردشگری کشور و پایتخت معنوی ایران که سالانه ۲۰ میلیون زائر را میزبانی می‌کند، مسائل آن به ویژه موضوع آب، مسئله‌ای صددرصد ملی است؛ هم بود چه ملی می‌خواهد و هم طرح و هم اراده ملی.

اگر سیاست‌گذاران ملی، نهاد‌های محلی و افکار عمومی این وضعیت را جدی نگیرند، باید در آینده نزدیک، با سناریوهایی چون جیره‌بندی گسترده، اختلال در تأمین آب زائران و... مواجه شویم. ختم کلام اینکه بحران آب در مشهد، یک مسئله اقلیمی صرف در جغرافیایی محدود نیست؛ بلکه اکنون به مسئله‌ای ملی، امنیتی، اجتماعی و زیربنایی بدل شده است. حل آن، نیازمند عبور از نگاه بخشی و مقطعی و حرکت به سمت یک راهبرد جامع، مشارکتی و میان‌دستگاهی است. اگر اکنون درست تدبیر نکنیم، شاید به زودی برای نوشیدن یک لیوان آب سالم در شهر مقدس مشهد، مجبور باشیم در صف اضطرار بایستیم. آینده از هم اکنون شروع می‌شود.

دیدگاه

جامعه‌پذیری؛ ستون بقای فرهنگ و هویت اجتماعی

جامعه‌ا انسان‌ها تشکیل می‌شود و انسان بدون جامعه معنا ندارد. آنچه انسان را از موجودی طبیعی به موجودی اجتماعی تبدیل می‌کند، جامعه‌پذیری است؛ فرایندی که فرد از طریق آن، هنجارها، ارزش‌ها و قواعد زندگی جمعی را فرا می‌گیرد و در قالب آن شخصیت اجتماعی‌اش شکل می‌گیرد. بدون جامعه‌پذیری، ما صرفا در کنار هم زندگی می‌کنیم، نه با هم. بنابراین، بقای جامعه تنها به تولید نسل و جمعیت وابسته نیست، بلکه در سطحی معنوی تر، به توانایی آن در انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر بستگی دارد.

در جامعه‌پذیری، فرهنگ و ارزش‌های مشترک میان افراد گردش می‌کند، بازتولید می‌شود و در ذهن‌ها ریشه می‌دواند. این فرایند از خانواده آغاز می‌شود و در مدرسه، میان‌گروه‌های هم‌سن، در محیط کار، رسانه‌ها و نهائیات دولت ادامه می‌یابد. هرکدام از این عوامل، نقشی اساسی در شکل دهی به وجدان اجتماعی دارند. خانواده نخستین مدرسه‌ای است که کودک در آن احترام، نظم و تعاون را می‌آموزد. مدرسه این پایه‌ها را توسعه می‌دهد و رسانه‌ها و نهادهای دولتی در سطح کلان، فرهنگ عمومی را می‌سازند. اگر این حوزه‌ها هماهنگ عمل نکنند، جامعه در معرض چندپارگی فرهنگی قرار می‌گیرد.

با این حال، جامعه‌پذیری تنها حفظ سنت‌ها نیست؛ توان درک و پذیرش هنجارهای جدید نیز بخشی از آن است. جوامعی که نمی‌توانند ارزش‌های نوین را به درستی آموزش دهند، در برابر تغییرات اجتماعی سردرگم می‌مانند. نمونه روشن آن، رفتارهایی مانند رعایت حق تقدم در رانندگی، بستن کمربند ایمنی یا توجه به قوانین زیست محیطی است. این هنجارها حاصل جهان مدرن‌اند و باید از راه آموزش عمومی و رسانه‌ها درونی شوند. جامعه‌ برای انطباق با دنیای جدید نیاز به جامعه‌پذیری ثانویه دارد تا بزرگ‌سالان نیز ارزش‌های تازه را بیاموزند؛ همان‌طور که کودکان از آغاز تربیت رسمی خود با آن‌ها آشنا می‌شوند.

جامعه‌ای پویا باید جامعه‌پذیری را از دوران کودکی آغاز کند. ذهن کودک هنوز آزاد از قالب‌های منجمد است و آمادگی زیادی برای پذیرش معناهای اجتماعی دارد. آموزش ارزش‌های شهروندی، مسئولیت‌پذیری، قانون‌مداری و احترام به حقوق دیگران باید از سال‌های نخست دبستان در برنامه‌های رسمی، جایگاه ثابت داشته باشد. بی‌توجهی به این امر، شکاف نسلی و رفتارهای ناهنجار را در آینده تشدید می‌کند.

فرهنگ، همانند انسان، برای زنده ماندن نیاز به تولیدمثل دارد اما این تولیدمثل از راه جامعه‌پذیری رخ می‌دهد، نه از طریق زیست‌شناسی. جوامعی که انتقال فرهنگ را نادیده می‌گیرند، دیر یا زود پوسته‌ای خالی از معنا خواهند شد. جامعه‌پذیری همان شریان حیاتی‌ای است که ارزش‌ها، اخلاق و سبک زندگی را از نسل پیشین به نسل آینده منتقل می‌کند. حفظ آن، وظیفه همه ماست؛ از خانواده و معلم گرفته تا سیاست‌گذار و رسانه. تنها جامعه‌ای که بتواند انسان‌هایش را به درستی تربیت کند، می‌تواند فرهنگش را زنده نگه دارد و معنای انسان بودن را در تاریخ، جاودان سازد.

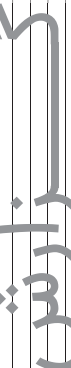
عدد خبر

۱/۵ میلیون زن

ایرنا| معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده اظهار کرد: سالیان گذشته در کشور ما حدود ۱/۵ میلیون زن ایرانی یا مرد غیرایرانی ازدواج کرده‌اند. زهرا بهروزآذر بیان کرد: در سفر اخیر به تایباد، با جوان بیست و پنج‌ساله‌ای مواجه شدیم که مادرش ایرانی بود و خود او در ایران متولد و بزرگ شده بود. زبان، فرهنگ، دین و مذهب وی با ما یکسان بود اما به دلیل تابعیت پدر که از اتباع افغانستان بود، امکان دریافت شناسنامه ایرانی را نداشت.



۱۳
شاهرانews.ir



امیر کرامی
عضو کمیته شهرسازی